

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر نرده (90_1389)

محمد عباس زاده^۱، مرتضی مبارک بخشایش^۲، مینا معروف پور^۳

تاریخ پذیرش: 92/8/29

تاریخ تصویب: 92/11/23

چکیده

اوقات فراغت از جمله پدیده‌های مهم و شایان توجهی است که بی‌توجهی به آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده از جمله بیماری‌های اجتماعی، روانی و انحرافات اجتماعی را به دنبال دارد. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت می‌باشد.

روش تحقیق، پیمایشی و ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه بسته پاسخ محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه، دربرگیرنده کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر نرده به تعداد 17177 نفر در سال تحصیلی 90-1389 نفر بوده که از این تعداد، 376 نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی به عنوان حجم نمونه مورد مطالعه، انتخاب شده است. داده‌های حاصل نیز، با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق:

میانگین گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران می‌باشد. همچنین یافته‌های تحقیق رابطه بین متغیرهای اصلی تحقیق و نحوه گذران اوقات فراغت را تأیید می‌کند. در نهایت با استفاده از رگرسیون چند متغیره، دو متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی 34 درصد تغییرات متغیر

1- دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، ایران m.abbaszadeh@yahoo.com

2- مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز، ایران.

2- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی _دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران.

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت

وابسته را تبیین کرده‌اند. همچنین تأثیر متغیر مستقل سرمایه فرهنگی بر متغیر وابسته بیشتر از سایر متغیرها بوده است.

واژگان کلیدی سرمایه اقتصادی- سرمایه فرهنگی- سرمایه اجتماعی - نحوه گذران اوقات

فراغت- دانش‌آموزان

مقدمه

موضوع اوقات فراغت از جمله مسائلی است که همیشه مورد بحث و بررسی صاحب‌نظران علوم تربیتی، روانشناسان، جامعه‌شناسان و تمام افرادی که در حوزه تعلیم و تربیت خود را سهیم می‌دانند، بوده است. فعالیت‌های اوقات فراغت دوران بچگی و نوجوانی عموماً برای رفتارهای اوقات فراغت در دوران بزرگسالی بسیار مهم تلقی گردیده است (خواججه‌نوری، 1387: 138).

از آنجا که کشور ایران با ساختار جمعیتی جوانی است، مسائل جوانان در ایران در حال افزایش است که یکی از مهم‌ترین مسأله در مورد جوانان، نحوه گذران اوقات فراغت آن‌هاست (شیخ، 1374: 15). واژه فراغت در فارسی به معنی آسودگی و آسایش از کار و شغل است و فرد در این اوقات می‌خواهد به اشتغالی بپردازد که با کمال میل به آن علاقه نشان می‌دهد، خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع. در مفهوم اوقات فراغت، رضایت، انگیزه و انتخاب نقش اساسی دارد. در حقیقت بارزترین ویژگی اوقات فراغت این است که انسان از روی رضایت باطنی و با انگیزه شخصی، از میان مجموعه متنوع و گسترده‌ای از فعالیت‌ها به اختیار خویش یکی را بر می‌گزیند (دامرودی، 1389: 23).

آنچه که در مورد اوقات فراغت قابل تأمل است، تفاوت نوع و میزان آن در بین افراد بوده است. انتخاب نوع فعالیت جهت گذران اوقات فراغت، هم با فرهنگ جامعه و هم با امکانات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فرهنگ فرد و یا به تعبیر بوردیو (1989) سرمایه‌های فرهنگی فرد رابطه دارد. در واقع، از سویی فرهنگ‌ها اوقات فراغت خاصی را طلب کرده و پیشنهاد می‌کنند؛ از سویی دیگر، سرمایه‌های فرهنگی متفاوت، اوقات فراغت متفاوتی را به همراه داشته؛ البته امکانات اقتصادی فرد نیز در این انتخاب‌ها نقش دارند. همچنین سرمایه اجتماعی فرد (شبکه ارتباطات، اعتماد و مشارکت

اجتماعی) نیز در انتخاب نوع اوقات فراغت تأثیر دارند. در واقع کنش متقابل بین فعالیت‌های اوقات فراغت و انواع سرمایه وجود داشته و یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

فعالیت‌های اوقات فراغت امروزه از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی از آن به مثابه آیین فرهنگ جامعه یاد می‌کنند. به این معنی که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه تا حد زیادی معرف ویژگی‌های فرهنگ آن جامعه است. به نظر جامعه‌شناسان امروزی، فراغت واقعیتی است کاملاً تازه که در بافت جامعه صنعتی پدید آمده است و آن را نمی‌توان با بیکاری قرون قبل مقایسه کرد. جامعه‌شناسی فراغت به عنوان امری ضروری مطرح است، زیرا دانشی است که می‌خواهد مسائل واقعی تحولات حوزه کار و شیوه زندگی را مطالعه کند (شیخ، 1374:6).

بحث و بررسی موضوع اوقات فراغت از شاخه‌های جدیدی است که در جامعه‌شناسی معاصر ایجاد شده است و هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. کمتر از صد سال پیش هیچ یک از جوامع اهمیت چندانی به این موضوع نمی‌دادند. در جوامع پیش صنعتی، زندگی و کار انسان تابع مستقیمی از شرایط طبیعی بود. کودکان به محض آنکه قدرت کافی برای کار فیزیکی را می‌یافتند شروع به کار می‌کردند. با ظهور جامعه صنعتی و افزایش امید به زندگی و پیرو آن گسترش ارتباطات و تکنولوژی، شیوه زندگی افراد متحول شد و اوقات فراغت افراد دستخوش تغییرات عدیده‌ای گشت (فکوهی، 1379:6).

پر کردن مناسب اوقات فراغت در جامعه ما همچون اکثر جوامع دیگر، نیاز به یک شرط اساسی دارد و آن وجود سرمایه در افراد می‌باشد. سرمایه اشکال گوناگونی دارد که عبارت‌اند از سرمایه اقتصادی - سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی. داشتن سرمایه اقتصادی از بعد وجود قدرت مالی، داشتن سرمایه فرهنگی از نظر فرهنگ حاکم بر فرد و خانواده و جامعه و داشتن سرمایه اجتماعی از نظر داشتن مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی و شبکه‌های روابط همگی در نحوه تشخیص و چگونگی گذران اوقات فراغت نقش دارند.

نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان که قشر عظیمی از جمعیت کشور را تشکیل داده است، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که مورد توجه مسؤولین کشور قرار گرفته است. بالاخص با تعطیلات مدارس و آغاز سه ماهه تعطیلات تابستان از سوی دستگاه‌های مختلف فرهنگی و اجرایی لزوم طرح

برنامه‌ای صحیح و منطقی، که منطبق بر نیازها و علایق افراد باشد، انکارناپذیر است. پژوهش‌های مربوط نشان می‌دهد که با پیشرفت و صنعتی شدن جوامع، اوقات فراغت نیز افزایش می‌یابد (دامرودی، 1389). اوقات فراغتی که به دلیل کمبودهای بودجه‌ای مالی و یا ناآگاهی از اهمیت تفریح در زندگی افراد، نتوانند از سوی دولت یا بخش خصوصی پر شوند، به وسیله گرایش به انحرافات، فساد، فحشا و... پر خواهد شد. بنابراین از این لحاظ، برنامه‌ریزی و اهمیت دادن به اوقات فراغت، جنبه کنترل و پیشگیری در برابر بیماری‌های اجتماعی نیز دارد و برای جامعه سبب ایجاد انسجام اجتماعی و کاهش افسردگی نیز می‌شود. بنابراین با توجه به اهمیت و نقش انواع سرمایه در نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان، سؤال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه، چه رابطه‌ای بین سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر نقده وجود دارد؟

چنانچه بهداشت روانی را مهم‌ترین کارکرد اوقات فراغت بدانیم، طبیعی است که نیاز به اوقات فراغت مربوط به قشر خاصی نیست، ولی از آنجا که کشور ما در ردیف جوان‌ترین کشورهای دنیا (با میانگین سنی 16 سال) می‌باشد، هدایت و ایجاد امکانات برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت آنان و سازندگی جامعه نقش به‌سزایی داشته باشد (شیخ، 1374).

عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات، فعالیت جهانی شدن را تسریع کرده و به دنبال آن تغییراتی را در فرهنگ بومی جوامع به وجود آورده است. از جمله اینکه، چگونگی گذران اوقات فراغت تعدادی از افراد جامعه مانند نوجوانان و جوانان جامعه فعلی دستخوش تغییرات جدی شده است. از آنجایی که انسان‌ها به علت اجتماعی بودنشان در تعامل با یکدیگر بوده و همچنین با نهادهای مختلف اجتماعی و فرهنگی در ارتباطاند، در این تعامل واقعیت‌های اجتماعی را با توافق یکدیگر می‌سازند. بنابراین، افراد هم از یکدیگر و هم از تغییرات فرهنگی تأثیر می‌گیرند (منادی، 1388). از جمله این تغییرات فرهنگی، چگونگی گذران اوقات فراغت در افراد جامعه است که از یک مقطع زمانی به زمان دیگر، تغییر یافته است (پاک‌سرشت، 1385). به عبارتی، اوقات فراغت تا حدودی جهانی شده است به عنوان مثال، استفاده از ورزش‌های (گلف، تنیس و ...) و امکاناتی مانند کامپیوتر و اینترنت در بیشتر جوامع در حال جهانی شدن است. می‌توان گفت، سبکل تغییر فرهنگ بومی یا سرمایه‌های فرهنگی و نمود شکل جدید

سرمایه‌های فرهنگی در فعالیت‌هایی مانند اوقات فراغت شکل گرفته است (منادی، 1388). با توجه به اینکه ایران کشوری بسیار جوان است و جوانان آینده‌سازان فردای جامعه و والدین فرزندان فردا خواهند بود، توجه به فعالیت‌های فعلی آنان حائز اهمیت بوده و بر مسؤولین و متخصصان این حوزه است که به سادگی از کنار فعالیت‌های فرهنگی غیربومی آنان نگذرند.

به اعتقاد گیدنز، فرد امروزه با تنوع گسترده‌ای از انتخاب‌ها روبرو است. این تنوع زیاد، اهمیت هستی‌شناختی را با مشکل مواجه می‌سازد. از همین رو افراد برای آنکه مجبور نشوند در هر لحظه تصمیمی اتخاذ کنند، مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را به صورت الگومند، پذیرا می‌شوند. این مجموعه الگومند، راهنمایی برای کنش می‌شود و فرد را از این معضل که در هر لحظه مجبور به تصمیم‌گیری آگاهانه باشد، می‌رهاند. هر سبک زندگی «... مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را نیز تأمین می‌کند» (گیدنز، 1383: 2).

یکی از این عرصه‌های انتخاب آزادانه فردی در عرصه قابل مشاهده زندگی که حوزه مهمی در مطالعات سبک زندگی محسوب می‌شود، حوزه «فراغت»⁴ است که اصلی‌ترین حوزه تحلیل‌های سبک زندگی است. در این حوزه است که افراد، نماگرها، کلیشه‌ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی خود را بازگو می‌کنند. حوزه فراغت براساس عوامل و تعیین بخش‌های متعددی تغییر می‌کند. تغییراتی که کاملاً متأثر از انواع سرمایه نزد افراد است (ربانی و دیگری، 1388). در واقع وجود انواع مختلف سرمایه در افراد باعث تنوع در نحوه گذران اوقات فراغت آنها می‌باشد و به طوری که وجود سرمایه اقتصادی در کنار سرمایه فرهنگی و اجتماعی در نوجوانان و خانواده آنها می‌تواند در انتخاب نوع و میزان اوقات فراغت آنها نقش داشته باشد. در واقع هر یک از انواع سرمایه می‌تواند مکمل سرمایه‌های دیگر و موثر در نحوه گذران اوقات فراغت افراد در جامعه می‌باشند. بنابراین با توجه به نقش موثر سرمایه‌های فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی در اوقات فراغت نوجوانان و دانش‌آموزان این پژوهش در پی دستیابی به

⁴ - Leisure

این بخش اصلی است که نقش هر یک از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان چقدر است؟

پیشینه‌های عملی تحقیق

پیشینه عملی خارجی

برخی مطالعات که توسط پژوهشگران بر روی دانش‌آموزان و یا سایر گروه‌ها انجام شده نشان‌دهنده آن است که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی نقش مهمی در اوقات فراغت افراد دارد (واگنر⁵ و همکاران، 2006، شینو⁶ و دیگران، 2004، فیتز جرالده⁷، 1995، رایمر⁸ و همکاران، 1994). یکی از نتایج مهم در تحقیقات این پژوهشگران تفاوت بین دو جنس در انجام اوقات فراغت و تأثیر اجبارهای اجتماعی مؤثر بر روی رفتارهای اجتماعی آنهاست.

در مطالعه‌ی واگنر و همکارانش ملاحظه شد، به دلیل فقدان منابع اوقات فراغت برای برخی از گروه‌های اقلیتی، درگیر شدن جوانان در فعالیت‌های اوقات فراغتی سالم محدود شده است. لذا بسیاری از جوانان وقت خود را در گروه‌های خارج از خانه و در خیابان‌ها سپری کرده‌اند. مطالعاتی دیگر رابطه‌ی بین مذهب و انجام فعالیت‌های اوقات فراغت را مهم یافته‌اند. کلارک در تحقیق خود بین اوقات فراغت و منزلت شغلی رابطه‌ی معنادار خطی مشاهده کرده است. استودولسکا⁹ در مطالعه‌ی خود نشان داده است که انجام اوقات فراغت مشروط به پایگاه خاص خانوادگی و همچنین شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. وایت نیز درباره‌ی تمایزات طبقاتی و اوقات فراغت مشاهده کرد که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در استفاده از اوقات فراغت وجود دارد. همچنین طبقات متوسط رو به بالا ساعات بیشتری را صرف اوقات فراغت می‌کنند. از سوی دیگر الگوی انجام اوقات فراغت نیز با تغییر در پایگاه طبقاتی و سن افراد تغییر می‌کند. دادریس¹⁰ و همکاران، تحقیقی تحت عنوان «تجزیه و تحلیل نحوه گذران اوقات

5 - wagner

6 - shiner

7 - Fitzgeraid

8 - Raymore

9 - Stodolska

10 - dadris

فراغت در خانواده‌های آمریکایی» انجام داده است. نتایج نشان داد، که میزان حقوق سرپرست خانواده تأثیر معنی‌داری بر نوع تفریحات فراغتی غیرفعال و سرگرمی‌های اجتماعی داشت، ولی بر روی تفریحات فراغتی فعال تأثیری نشان نداده است، در حالی که میزان حقوق همسر یا حقوق دیگر افراد خانواده فقط بر تفریحات فراغتی فعال مؤثر بوده است (شعاعی، 1377).

تحقیقی که توسط فورلانک¹¹، کمبل و ریبرت¹² در سال 1990 میلادی انجام شد نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی - اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم در مشارکت و علاقه‌مندی جوانان به شکل‌های گوناگون گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد (فرج‌اللهی، 1373).

پیشینه عملی داخلی

برازنده (1377) در مطالعه‌ی خود مشاهده کرد که نوع و میزان اوقات فراغت تحت تأثیر زمان و منابع در دسترس افراد است (برازنده، 1377). صالحی در مطالعه‌ی خود بر روی اوقات فراغت کارکنان شیلات استان گیلان دریافت که فعالیت‌های اوقات فراغت با تحصیلات و درآمد دارای رابطه‌ی معنی‌دار مثبتی است (صالحی، 1378). رجبی و آقا در مطالعه‌ی خود بر روی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان شیرازی نتیجه گرفتند که جنس، پایه‌ی تحصیلی، محل تولد، وضع فعالیت و نوع شغل والدین، تحصیلات والدین، درآمد خانواده، تعداد فرزندان؛ وسایل سرگرم‌کننده و آموزنده‌ی در دسترس با اوقات فراغت رابطه‌ی مستقیم دارند (رجبی و آقا، 1369).

فردرو (1378) بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی، منطقه‌ی مسکونی، تحصیلات و مصرف کالاهای فرهنگی رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده کرده است.

عابدینی (1379) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت و میزان مصرف کالاهای فرهنگی، مطالعه‌ی موردی: شهر مرودشت.» انجام

11 - Furlong

12 - Rebert Campbell

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت

دادند. عابدینی در مطالعه‌ی خود بین متغیرهای تحصیلات، درآمد به شغل، ذائقه و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری یافته است، اما رابطه‌ی معناداری بین مسکن و مذهب و اوقات فراغت مشاهده نکرده است.

در پژوهش ربانی و دیگری (1386) تحت عنوان «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان» نتایج ذیل حاصل شد:

میانگین سرمایه فرهنگی در جامعه مورد مطالعه 27/57 است که کسب مهارت‌های فرهنگی با میانگین 31/89 با بیشترین حد و کسب مدارک فرهنگی با کمترین میانگین 19/16 است؛ همچنین میانگین دارا بودن وسایل فرهنگی در جامعه آماری مورد مطالعه 31/68 است. به علاوه در بین سبک‌های فراغتی تعیین شده توسط تکنیک تحلیل عاملی، میانگین اوقات فراغت خانوادگی 53/78، اوقات فراغت تفننی 36، اوقات فراغت ورزشی 28/01، اوقات فراغت فرهنگی - هنری 20/43 و اوقات فراغت علمی - فرهنگی 15/34 است. براساس آمارهای موجود اگر چه میزان سرمایه فرهنگی و سبک‌های فراغتی فرهنگی در بین سرپرستان میانگین پایینی دارد اما همواره با احساس شادمانی آنها همبسته است به طوری که به نظر می‌رسد با افزایش آنها میزان شادی نیز افزایش می‌یابد.

خواجه‌نوری و مقدس (1387) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان دهنده‌ی آن است که به ترتیب متغیرهای استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دل‌بستگی به دوستان، مذهبی بودن و دل‌بستگی به مدرسه بر روی هم 36/1 درصد تغییرات را در میزان اوقات فراغت دانش‌آموزان تبیین می‌کنند.

در پژوهش ربانی و شیرینی (1388) تحت عنوان «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران» نتایج ذیل حاصل شد:

نتایج تحقیق بیانگر نقش تعیین کننده «طبقه اجتماعی» و ترکیب همزمان «جنسیت» با طبقه اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت است. حوزه فراغت در تهران به عنوان عرصه انتخاب فردی هنوز در دایره محدود طبقه اجتماعی و جنسیت است. کنشگران اگر چه آزادی

انتخاب دارند اما این انتخاب توسط متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای محدود شده است. همبستگی شدید هویت با طبقه اجتماعی و جنسیت - در حوزه فراغت - به معنای نفی تفاسیر پست‌مدرن در تمایزات اجتماعی متکثر مبتنی بر مصرف است.

چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق از دیدگاه بوردیو که جامع‌تر است استفاده می‌شود. از این رو که بوردیو به «عرصه» یا «میدان» توجه می‌کند، به نظریه‌ی روابط‌اش، نسبیته می‌بخشد که در جوامع دیگر نیز کاربرد دارد. وابسته به هر میدانی سرمایه‌هایی به صورت زیر شکل می‌گیرد که سبک زندگی گوناگونی را به صورت عادتواره به وجود می‌آورد. که اوقات فراغت یکی از حوزه‌های سبک زندگی می‌باشد. این سرمایه‌ها عبارت‌اند از:

سرمایه‌ی اجتماعی، شبکه‌ای از انسان‌هایی که می‌تواند حاصل تعاملات آنها گشایشی در عرصه‌ی اجتماعی آنها باز کند تا به سرمایه‌های دیگر مبدل شود.

سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی مادی و فیزیکی است که امکان مصرف و سرمایه‌گذاری را مهیا می‌کند.

سرمایه‌ی نمادی، هنجارها، قوانین، مقررات و ارزش‌هایی است که هر سرمایه‌ای را مشروعیت می‌بخشد، حمایت می‌کند و امکان تعلق به گروه‌ها را تضمین می‌کند.

سرمایه‌ی فرهنگی، حاصل تحصیلات، مدرک‌ها مهارت‌ها و تجربه‌هایی است که مجوز ورود به عرصه‌هایی را برای شخص و گروه‌ها فراهم می‌سازد (خواجانه‌نوری و دیگری، 1387: 140).

نحوه گذران فراغت به عنوان یک سبک زندگی می‌تواند بر حسب این چهار نوع سرمایه تغییر کند. کسانی که تحت تأثیر پایگاه خاص خانوادگی، شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند، این عوامل بر گذران اوقات فراغت آنها مؤثر واقع می‌شود.

مبانی نظری سرمایه اجتماعی

بوردیو^{۱۳}

سرمایه اجتماعی برای بوردیو موقعیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. به نظر بوردیو تطابقی میان جایگاه اجتماعی و سلیقه‌ها و رفتارها وجود دارد مثلاً اینکه فضای طبقه اجتماعی برتر، چه نوع ورزش‌ها، نوشیدنی‌ها، گرایش‌های سیاسی و غیره ترجیح می‌دهند (رضائیان، 1384: 20). به نظر بوردیو سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر گذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد. سرمایه از نظر بوردیو سه شکل اساسی دارد:

اقتصادی: که قابل تبدیل شدن به پول است و به شکل حقوق مالکیت قابل نهادینه شدن است.

فرهنگی: که در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌شود و به شکل کیفیت آموزشی نهادینه می‌گردد.

اجتماعی: که از تعهدات اجتماعی ساخته شده است و تحت برخی شرایط قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی می‌باشد و یا ممکن است در شکل یک عنوان اشرافی نهادینه شود (اکبری، 1383 : 23). پیر بوردیو بر تبدیل‌پذیری اشکال مختلف سرمایه به نوع اقتصادی آن تأکید دارد. وی سرمایه اقتصادی را به عنوان کار انسانی انباشته شده تعریف می‌کند. پس کنشگران از طریق سرمایه اجتماعی می‌توانند دسترسی مستقیمی به منابع اقتصادی (وام‌های یارانه‌ای، راهنمای سرمایه‌گذاری و ...) داشته باشند. آنها می‌توانند سرمایه فرهنگی خود را از طریق تماس با کارشناسان یا افراد معتبر افزایش دهند و یا به گونه‌ای دیگر، آنها می‌توانند با مؤسساتی که اعتبارات با ارزش عرضه می‌دارند مرتبط شوند (فیروزآبادی، 1384: 117).

فوکویاما: فوکویاما معتقد است سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست نه افراد و هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دارد که بیش از یک نفر در آن سهیم باشد. گروهی که حاوی سرمایه اجتماعی‌اند ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با یکدیگر تبادل

13- Bourdieu

اطلاعات می‌کنند یا در پروژه‌های مشترکاً همکاری می‌کنند یا ممکن است در مقیاس بزرگتری تمامی یک ملت باشد. کالینز سرمایه‌ی فرهنگی را شامل منابعی چون مکالمات از پیش اندوخته در حافظه، شیوه‌ی زبانی، انواع خاص دانش و مهارت، حق ویژه‌ی تصمیم‌گیری و حق دریافت احترام می‌داند (ریترز، 1380: 725). بعد ذهنی سرمایه فرهنگی شامل دانش، اطلاعات و فایل‌هایی در ذهن می‌باشد، بعد عینی آن را می‌توان در انواع مهارت‌ها مشاهده نمود.

مبانی نظری سرمایه فرهنگی

بورديو از سه گونه سرمایه فرهنگی سخن می‌گوید: الف) **مضمون**^{۱۴}: که مشتمل بر هر دو گونه مکتسبات آگاهانه و میراث بری‌های منفعلانه یک شخص می‌باشد. نکته‌ای که بورديو بر آن تأکید می‌گذارد، آن است که سرمایه فرهنگی به صورت خودانگیخته (همچون کادو) منتقل نمی‌گردد، بلکه دستاوردی است که در طول زمان خود را در یک شخص (شخصیت و نحوه تفکر) مجسم می‌سازد. بورديو همچنین از سرمایه زبانی^{۱۵} نام می‌برد و آن را نوعی از انواع سرمایه فرهنگی مضمون می‌خواند که یک معنای ارتباط و خودعرضه داشتن یک فرد را از فرهنگ پیرامون او متبادر می‌سازد (روحانی، 1388: 24).

ب) **عینیت یافته**^{۱۶}: سرمایه‌های فرهنگی است که به صورت اعیان فیزیکی به تملک درآمده است (مانند ابزارهای اندازه‌گیری علمی یا آثار هنری).

پ) **نهادینه شده**^{۱۷}: گونه‌ای سرمایه فرهنگی است که اغلب به صورت اعتبارها یا کیفیات علمی یک فرد شناخته می‌شود. بورديو از دامنه سرمایه فرهنگی نهادینه شده مثال می‌زند و می‌گوید وجود این سرمایه، باعث می‌شود که تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی - به واسطه خدمت اکتشافی که به فروشندگان می‌دهد تا سرمایه خود را به خوبی توصیف کنند و به خریداران می‌دهد تا نیاز سرمایه‌ای خود را به خوبی تبیین نمایند - با سهولت بیشتری صورت پذیرد (روحانی، 1388: 24).

14- Embodied

15 - Linguistic Capital

16 - objectified

17 - Institutionalized

– مبانی نظری سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی شامل دارایی‌های مادی و مالی و به طور کلی انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه پیدا می‌کند (فاضلی، 1382: 37). سرمایه اقتصادی شامل مؤلفه‌های گوناگون مانند: میزان درآمد، نوع شغل، وسایل مادی و رفاهی و همه مزایایی است که یک فرد را در جامعه در جایگاه بالاتر قرار می‌دهد و انتظارهای وی را بالا می‌برد (سفیری و دیگری، 1386: 116). از نظر بورديو، معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی از پهنه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد. همچنین از نظر بورديو سرمایه اقتصادی یا ثروت مادی، در واقع قدرت پرداخت برای این شکل از سرمایه است و آن شکلی از سرمایه است که می‌تواند تبدیل به کالاهای مادی شود (سفیری و دیگری، 1386: 16). از نظر بورديو سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه است و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی ابزاری هستند برای رسیدن به سرمایه اقتصادی. سرمایه‌های اجتماعی در ممالک سرمایه‌داری ابزاری هستند برای تقویت و تثبیت جایگاه اقتصادی افراد. در واقع اگر سرمایه اجتماعی نتواند منجر به رشد سرمایه اقتصادی شود بی‌فایده است. از نظر بورديو هدف نهایی رسیدن به سرمایه اقتصادی است و انواع دیگر سرمایه تنها بهانه‌هایی هستند برای دستیابی به این هدف (فیروزآبادی، 1384: 117).

مبانی نظری اوقات فراغت

ژوفر دومازدیه: از نظر دومازدیه اوقات فراغت دربرگیرنده مجموعه‌ای از اشتغالات است که فرد با کمال میل بدان می‌پردازد. خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع و خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن (بدون توجه به اهداف مادی) و خواه برای مشارکت اجتماعی آزاد، بعد از آن که از الزامات حرفه‌ای، خانوادگی و اجتماعی فارغ گشت (اردلان، 1354: 57).

آدرنو می‌گوید اوقات فراغت در قدیم با جریان فرهیخته شدن فرد رابطه داشته است. فرد در جریان این فعالیت به نوعی استقلال و بلوغ می‌رسد. اما در حال حاضر وسایل ارتباط جمعی امکان

رسیدن به هر نوع بلوغ را از میان برده‌اند و او را به مصرف کننده صرف محصولات فرهنگی مبدل کرده‌اند (اردلان، 1354: 57).

اوقات فراغت و نحوه‌ی گذران آن یکی از شاخص‌های اساسی سبک زندگی به شمار می‌رود. به بیان دیگر شیوه‌ی زندگی افراد معمولاً خود را در گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد. در دنیای جدید این ماکس وبر بود که با طرح گروه‌های منزلتی راه را برای مطالعات سبک زندگی و فراغت و اهمیت دادن به آن باز کرد (خواجهنوری و مقدس، 1387: 140). پس از او ویلن با طرح مصرف هم چشمانه بررسی‌های جدید سبک زندگی و فراغت طبقات تن آسا را مطرح کرد (ویلن، 1383: 69-107).

گره گاه این سنت وبر - ویلنی، نظریات سبک زندگی و فراغتی بوردیو است که با تأکید بر طبقات و سبک زندگی که او آن را عادتواره می‌نامید، دیدگاه جدیدی را در عرصه‌ی فراغت و سبک زندگی به وجود آورد. کالینز نیز از دیدی نو وبری به فرهنگ طبقات توجه کرده است که یک قسمت آن در فراغت بازتاب می‌یابد.

اوقات فراغت

فراغت در زبان انگلیسی از Licere, Leisure و نیز Edse به معنای سهولت، آسانی، راحت، فراغت و آسایش گرفته شده است. در فرهنگ جامع انگلیسی - فارسی حییم، واژگان Freedom, Svelet, Rest, Leisure در ترجمه به معنای وقت آزاد از کار یا وظایف دیگر، وقت اضافی و یک رشته از فعالیت‌های اضافی آورده شده است. مفهوم فراغت، الزاماً مترادف با تفریح نیست، بلکه زمان آزادی است که فرد در اختیار دارد و آن را به میل خود صرف می‌کند. به عبارت دیگر، فراغت مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که فرد با رضایت خاطر یا برای استراحت یا برای سرگرم شدن و یا افزایش اطلاعات یا آموزش و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه پس از فارغ شدن از کارهای موظف شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد (دادگران، 1389: 125).

جرج لاندبرگ^{۱۸} از وقت فراغت چنین تعریف می‌کند: وقت فراغت نقطه مقابل اوقات مصروف به آن فعالیت‌هایی است که به طور کلی وسیله‌هایی برای رسیدن به هدف‌های دیگرند، نه هدف‌های خودبخودی (محمودی، ۱۳۷۲).

نرمن سیلوم^{۱۹} و روبینس^{۲۰} نویسندگان کتاب عصر فراغت در تعریف اوقات فراغت چنین می‌گویند فراغت مجموع پیچیده‌ای از ارزش‌هایی می‌باشد که شخص برای ارضا و غنی ساختن زندگی خود با استفاده از اوقات آزاد برای انجام فعالیت‌های مورد پسندش به دست می‌آورد (خسروشاهی، ۱۳۵۵).

ماکس کاپلان^{۲۱} جامعه‌شناس آمریکایی، در کتاب «فراغت در آمریکا» فراغت را در مقابل کار در نظر گرفته است. به نظر او فراغت، خاطره‌ای دلپذیر است، نوعی رهایی از وظایف اجتماعی، نوعی ادراک روانی آزادی و نوعی فعالیت فرهنگی است و سرشتی از نوع بازی دارد. کاپلان فراغت را از نظر محتوا یعنی نوع فعالیت تحلیل نکرده، بلکه از نظر رابطه‌ای که انسان با این فعالیت‌ها برقرار می‌کند بررسی کرده است (جلالی، ۱۳۸۹: ۶).

آگوست کنت^{۲۲} جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد است لحظات اوقات فراغت امکان توسعه و پیشرفت را برای انسان فراهم می‌کند.

در فرهنگ معین فراغت این گونه معنی شده است: ۱- پرداختن به فراغت ۲- آسایش، استراحت، آسودگی، آرامش ۳- بی‌اعتنایی، وارستگی، ۴- فرصت، مجال.

سعید ضیایی چوپانان و ناهید منصوری در پژوهش خود اوقات فراغت را چنین تعریف کرده‌اند:

«مطابق سنن و قواعد اجتماعی از دیرباز رسم بر این است که هر کس پس از انجام کار روزانه مقداری اوقات بیکاری در اختیار دارد و همچنین یک روز و گاه چند روز در هفته، به عنوان تعطیلات رسمی به این اوقات اضافه می‌شود که به آن اوقات فراغت می‌گوییم و اعضای خانواده به تناسب

18- Lundberg
19 - N.sillom
20 - Robins
21 - Max Kaplan
22 - August cent

موقعیت شغلی، شرایط سنی، جنسی، میزان تحصیلات، درآمد، اعتقادات مذهبی، محیط جغرافیایی و با در نظر گرفتن شرایط دیگر در نحوه گذران این اوقات تصمیم می‌گیرند» (گزارش ملی جوانان، 1381: 6).

اوقات فراغت و مذهب

اوقات فراغت در اجتماعات اولیه ارتباط تنگاتنگی با مراسم مذهبی داشت. این مراسم بخش عظیمی از زندگی انسان‌ها را به شکل قبیله‌ای یا سالاری تشکیل می‌داد. در مراسم مذهبی اعمال انجام می‌شد که مشخصات فعالیت‌های تفریحی را داشتند. ابتدا اعمال برای مواردی مثل فرجام جهانی، خشنود ساختن خدایان تحکم تعهدات و وظایف اجتماعی و غیر از آن انجام می‌شد. در نهایت این فعالیت‌ها که اغلب در زمان فراغت صورت می‌گرفت با هدف انجام مراسم مذهبی و یا تحول این آیین‌ها و مراسم انجام می‌شد. مثالهایی از جوامع مختلف نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها قبل از ایجاد جامعه اولیه بصورت دسته جمعی و مشارکتی بوده است (گزارش ملی جوانان، 1381: 25).

فاکتورهای اقتصادی منجر به توزیع نامتعادل اوقات فراغت در جامعه می‌شوند میزان درآمد نه تنها بر نوع سرگرمی فرد تأثیر بلکه و وقت آزاد وی هم تأثیر می‌گذارد (شعاعی، 1377).

محیط اجتماعی و اقتصادی نیز در انتخاب نوع امکانات فراغت تأثیر بسیاری دارد. تفاوت زیادی میان درآمد افراد در جامعه، پایین بودن قیمت‌های تولید و مسائلی مانند اینها به عنوان عوامل اقتصادی می‌توانند در این زمینه مطرح باشند. به عنوان مثال ارزان بودن امکانات ورزشی و تفریحی بر میزان استفاده کنندگان آنها تأثیر می‌گذارد (معدن کن، 1369).

نظر اسلام درباره اوقات فراغت و نحوه گذراندن آن

براساس آموزه‌های اسلام، میل به تفریح یکی از نیازهای طبیعی است که با سرشت انسان آمیخته شده و از آغاز تا پایان زندگی همواره وجود دارد به طوری که در دوران کودکی به شکل بازی‌های کودکان انجام می‌شود و در بزرگسالی به اعتبار تفاوت شرایط اجتماعی و خانوادگی به اشکال گوناگون

تحقق می‌پذیرد. همچنین به همان اندازه که انسان به انجام امور عبادی و مادی دعوت شده در مورد توجه به اوقات فراغت نیز به وی توصیه‌هایی شده است. بنابراین توجه به اوقات فراغت از موارد خاصی است که هر مسلمان نباید نسبت به آن بی‌اعتنا باشد و باید نهایت بهره روحی و معنوی را از آن برگیرد. البته اسلام به جهت‌گیری‌های عملی انسان تأکید دارد و وی را مکلف می‌کند تا نسبت به گذراندن اوقات فراغتش احساس مسؤولیت کند. از همه مهم‌تر آنکه انسان را موظف به اطاعت و عبادت کرده است (تندنویس، 1375).

پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز درباره اوقات فراغت سخنان و رهنمودهایی ارائه کرده‌اند. پیامبر اکرم (ص) در مورد چگونگی گذراندن اوقات فراغت چنین می‌فرمایند:

«مؤمن نیرومند، بهتر و محبوب‌تر از مؤمن ناتوان است» و برای جلب توجه مسلمانان بدن را شخصیتی مستقل و صاحب حق قرار داده است و می‌فرماید: «بدن تو به تو حقی دارد که باید آن را ادا کنی». همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «بیشتر مردم در دوخصلت دچار گمراهی و ضلالت هستند. یکی در مورد سلامت و صحت و دیگری در مورد فراغت». حضرت علی (ع) هم در مورد اوقات فراغت و ضرورت توجه انسان به آن سفارش کرده است، چنانکه به اباذر می‌فرماید: ای اباذر، پندهای مرا نگهداری کن تا در جهان سعادت‌مند شوی. «ای اباذر بسیاری از مردم در مورد دو نعمت مغبون هستند و از آن قدردانی نمی‌کنند. آن دو تندرستی و فراغت است. ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «تندرستی، نیرو، آسایش خاطر، شادکامی و نشاط را فراموش مکن و با استفاده از این پنج نعمت بزرگ آخرت را طلب کن».

امام رضا (ع) فرموده‌اند: «کوشش کنید اوقات شما چهار قسمت باشد، قسمتی برای عبادت و خلوت با خدا، قسمتی برای تأمین معاش، قسمتی برای آمیزش و مصاحبت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیوبتان واقف می‌سازند و در باطن نسبت به شما خلوص و صفا دارند و قسمتی را نیز به تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید و از مسرت و نشاط ساعات تفریح، نیروی انجام وظایف و ساعات دیگر را تأمین کنید»

نگاه متفکران و اندیشمندان اسلامی نیز نسبت به فعالیت‌های اوقات فراغت نگاهی آزاداندیشانه و متعالی است. از دیدگاه اسلام، اوقات فراغت در کنار اوقات کار قرار دارد و فرصتی است که باید از آن برای پاسخ دادن به حس کمال جویی انسان بهره‌برداری کرد. در این زمینه به طور کلی می‌توان گفت: در عین حال که اوقات فراغت در رفع خستگی و تفریح و سرگرمی تأثیری غیرقابل انکار دارد، توجه به کارکرد دیگران که رشد و شکوفایی شخصیت است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

در نظام مبتنی بر ارزش‌های دینی، کار و فعالیت اقتصادی در واقع مقدس و در حد عبارت باری تعالی است. در چنین نظامی انسان با کار بیگانه نیست و از این رو نمی‌توان گفت که فراغت به معنی خلاص شدن از کار است. بنابراین رویکرد نظام‌های الهی به فراغت از پایه و اساس، با آنچه در بسیاری از جوامع صنعتی که متأسفانه در بین عده‌ای از مردم ما نیز رایج شده است، کاملاً متفاوت است (تندنویس، 1375).

امروزه بیشتر فعالیت‌های فراغتی مردم جوامع صنعتی و به ویژه جوانان، فاقد هرگونه پشتوانه عقلانی و جنبه‌های سازنده فکری است. ساعات شبانه روز انسان به سه قسمت تقسیم می‌شود: وقت کار، وقت تأمین نیازهای فیزیولوژیک و وقت آزاد. در وقت آزاد انسان می‌تواند به اموری که مورد علاقه و اشتیاق اوست، بپردازد. اما این فرض یعنی انجام هر کار برای ارضای تمایلات درونی که خارج از هر گونه قید و شرطی بوده و در آن مسائل معنوی و اخلاقی مدنظر نباشد، از نظر اندیشمندان اسلامی مذموم و غیرقابل قبول است. از میان متفکرانی که درباره اوقات فراغت نظر داده است، می‌توان از خواجه نصیرالدین طوسی نام برد. او معتقد است: برای آموختن فن و حرفه‌ای که آغازش در حدود 13 سالگی و بعد از آن است، ورزش و حداقل استراحت فعال لازم است. یعنی حرکت بدنی و فعالیتی حتی مختصر که موجب رفع کسالت حاصل از تعلیم شود و خستگی ذهنی ناشی از فشار فکری و توجه بیش از حد را مرتفع کند (جلالی، 1389: 19-21).

نظریه‌های اوقات فراغت

در مورد پیدایش فراغت و دلیل انتخاب آن توسط انسان، سه نظریه عنوان شده است.

اولین نظریه حاکی از این است که مبنای تفریح «مذهب» است. چنانچه در جامعه‌ی اولیه عملاً رسوم مذهبی از بازی و تفریح جدا نبوده است و رقص و آواز و نمایش رابطه‌ی تنگاتنگ با سنن مذهبی داشته است. فلوئید هاوس در کتاب سلسله نظریه‌های اجتماعی ریشه‌ی تفریح در زمان قدیم را مذهب بیان می‌کند و اضافه می‌کند که با استیلای مسیحیت بر جهان، پرداختن به تفریح نوعی معصیت تلقی می‌شده است. از طرفداران دیگر این نظریه می‌توان دورکیم و جین هاریسن را نام برد. در مجموع این نظریه حاکی از این است که تفریح در صورت مختلف از مذهب سرچشمه گرفته و نوعی رفتار اجتماعی است که در ایجاد وحدت میان اعضای یک گروه یا قبیله نقش بزرگی ایفا می‌کند.

دومین نظریه درباره فراغت، فرضیه غریزی «بازی و تفریح» است. از طرفداران این نظریه می‌توان جیمس بالدوین و ویلیام مک دوگال و کارل گروس را نام برد. مک دوگال می‌گوید میل به بازی تا حدودی از غریزه‌ی جنگجویی سرچشمه می‌گیرد و گروس معتقد است کشش انسان برای بازی و تفریح بیشتر ناشی از طرز زندگی اوست که مبنای غریزی دارد. به نظر او یکنواختی زندگی و نبودن نشاط در دنیای کنونی باعث اختناق می‌شود که نتیجه‌ی آن ایجاد کشش و عشق به تفریح است.

سومین نظریه، فرضیه‌ی مبنی بر «استراحت و کسب لذت» است. اسپنسر در این خصوص علت گرایش انسان به تفریح را رها شدن وی از نیروهای اضافی می‌داند و مورتن لاوروس روانشناس آلمانی عامل تفریح را نیاز بشر به استراحت و جبران خستگی بیان می‌کند. توماس میل رهایی از یکنواختی و به دست آوردن تجربیات را عامل پیدایش تفریح و بازی می‌شمارد. پاتریک روانشناس امریکایی پیدایش تفریح و فراغت را رهایی انسان از فعالیت مداوم و تلاش خسته کننده که نتیجه‌ی آن خستگی جسمی و روحی شدید افراد جامعه است می‌داند (صادق موسوی، 1386).

به نظر می‌رسد علت شرکت نوجوانان در فعالیت‌های اوقات فراغت به گونه‌ای است که آنان هم از شرایط پیش از انجام فعالیت‌های اوقات فراغت تأثیر می‌پذیرند و هم در جریان انجام آنها. همچنین موقعیتی که فرد در سلسله مراتب اجتماعی دارد نیز در میزان، نوع و نحوه‌ی انجام فعالیت‌های اوقات فراغت مؤثرند. به بیان دیگر هم ساختارهای اجتماعی و سلسله مراتب اجبارها بر روی اوقات فراغت اثر می‌گذارند و هم تجربیات فرد و موقعیتی که در سلسله مراتب اجتماعی دارد، در انجام این گونه فعالیت‌ها

دخالت دارند. فرد با تمامی ویژگی‌های فردی خود با شرایط محیطی و ویژگی‌های آن در تعامل است. اوقات فراغت و نحوه‌ی گذران آن یکی از شاخص‌های اساسی سبک زندگی به شمار می‌رود. به بیان دیگر شیوه‌ی زندگی افراد معمولاً خود را در گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد. در دنیای جدید این ماکس وبر بود که با طرح گروه‌های منزلتی راه را برای مطالعات سبک زندگی و فراغت و اهمیت دادن به آن باز کرد (خواجانه‌نوری و مقدس، 1387:140). پس از او وبلن با طرح مصرف هم چشمانه بررسی‌های جدید سبک زندگی و فراغت طبقات تن آسا را مطرح کرد (وبلن، 1383:69-107).

کالینز نیز از دیدی نو وبری به فرهنگ طبقات توجه کرده است که یک قسمت آن در فراغت بازتاب می‌یابد. در این تحقیق از دیدگاه بوردیو که جامع‌تر است استفاده می‌شود. از این رو که بوردیو به «عرصه» یا «میدان» توجه می‌کند، به نظریه‌ی روابطی‌اش، نسبیته می‌بخشد که در جوامع دیگر نیز کاربرد دارد. وابسته به هر میدانی سرمایه‌هایی به صورت زیر شکل می‌گیرد که سبک زندگی گوناگونی را به صورت عادتواره به وجود می‌آورد. این سرمایه‌ها عبارت‌اند از:

سرمایه‌ی اجتماعی، شبکه‌ای از انسان‌هایی که می‌تواند حاصل تعاملات آنها گشایشی در عرصه‌ی اجتماعی آنها باز کند تا به سرمایه‌های دیگر مبدل شود.

سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی مادی و فیزیکی است که امکان مصرف و سرمایه‌گذاری را مهیا می‌کند.

سرمایه‌ی نمادی، هنجارها، قوانین، مقررات و ارزش‌هایی است که هر سرمایه‌ای را مشروعیت می‌بخشد، حمایت م‌کند و امکان تعلق به گروه‌ها را تضمین می‌کند.

سرمایه‌ی فرهنگی، حاصل تحصیلات، مدرک‌ها مهارت‌ها و تجربه‌هایی است که مجوز ورود به عرصه‌هایی را برای شخص و گروه‌ها فراهم می‌سازد.

به نظر می‌رسد گذران فراغت به عنوان یک سبک زندگی می‌تواند بر حسب این چهار نوع سرمایه تغییر کند. کسانی که تحت تأثیر پایگاه خاص خانوادگی، شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند، این عوامل بر گذران اوقات فراغت آنها مؤثر واقع می‌شود (خواجانه‌نوری و مقدس، 1387:140).

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت

گراندل ریک^{۲۳} (1980) برای اوقات فراغت هفت کارکرد را استنتاج می‌کند:

ارتباط و خلاقیت

آسایش و تمدن‌گریزی

خودشکوفایی و پیشرفت

لذت‌گرایی

اكتساب چیزهای جدید

انجام بعضی چیزهای ساده و معمولی

انجام بعضی چیزها به همراه خانواده (گزارش ملی جوانان، 1381: 93).

ژوفردومازویه چهار ویژگی را در تعریف اوقات فراغت یادآور می‌شود:

- رهایی از وظایف

- جهت‌نگرفتن به سوی اهداف مادی و اجتماعی

- سرگرمی (حالت لذت‌جویانه یا شادمانه)

- تحقق شخصیت و توانایی‌های بالقوه آدمی به گونه‌ای آزادانه (محمودی، 1372: 16).

از نظر وبر^{۲۴} سبک زندگی و اوقات فراغت پیوستگی بسیار نزدیکی با نوع اشتغال فرد دارد و از طریق تحصیلات رسمی اکتساب می‌شود و می‌تواند برای همگان میسر گردد (خدمیان، 1387: 36). اندرسون فراغت را زمان فروخته نشده‌ای می‌داند که متعلق به فرد است. زمانی که فرد به میل خود از آن

23 - Grandall Rick

24- weber

استفاده می‌کند. اندرسون در فراغت نوعی فعالیت خود انگیزه و آزادی‌گزینی مشاهده می‌کند (شیخ، 1374).

از مجموع نظریات و پیشینه‌های تجربی و نظری ارائه شده در باب موضوع نحوه گذران اوقات فراغت، می‌توان چند فرضیه عمده زیر را استخراج کرد.

فرضیه‌های تحقیق:

- بین سرمایه اقتصادی و نحوه گذران اوقات دانش‌آموزان دور متوسطه شهر نقده رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی و نحوه گذران اوقات دانش‌آموزان دور متوسطه شهر نقده رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی و نحوه گذران اوقات دانش‌آموزان دور متوسطه شهر نقده رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، محل سکونت، شغل والدین، تحصیلات والدین، تعداد اعضای خانواده) و نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دور متوسطه شهر نقده رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی²⁵ و از نوع توصیفی - همبستگی است. از نظر هدف یک بررسی کاربردی²⁶، به لحاظ وسعت پهنانگر²⁷، از نظر دامنه یک مطالعه‌ی خرد²⁸ و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی²⁹ است. گردآوری داده‌ها به صورت مصاحبه‌ای و با استفاده از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر نقده در سال تحصیلی 90-1389 برابر با 17177 نفر می‌باشد. و از این تعداد 376 نفر از طریق فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند.

25 - Survey
26 - Applied
27 - Extensive
28 - Microlevel
29 - Cross Sectional

نحوه سنجش متغیرها ۳۰ها و ۳۱ها

سنجش متغیر اوقات فراغت دانش‌آموزان: در گویه‌های مربوط، دو مؤلفه (خانه محور و بیرون محور) مورد بررسی قرار گرفته است که عبارت‌اند از استفاده رسانه‌های جمعی، مجالس مذهبی، رفت و آمد با همسایگان، ورزش، حضور در انجمن‌های هنری، ادبی و مانند آنها، انجام کارهای هنری، رفتن به سینما، تئاتر و مانند آنها، حضور در کلاس‌های متفرقه و گشت و گذار در خیابان‌ها سنجیده شد به طوری که در 25 گویه (15 گویه اوقات فراغت بیرون محور و 10 گویه اوقات فراغت خانه محور) که هر کدام نیز در مقیاس 6 درجه‌ای طیف لیکرت طراحی شده بودند، ارزیابی شدند. در نهایت نمره‌ی اوقات فراغت دانش‌آموزان در پیوستار با دامنه حداقل 25 و حداکثر 150 مشخص شد که 25 بیانگر کمترین میزان اوقات فراغت و 150 بیانگر بیشترین میزان اوقات فراغت بود.

سنجش متغیر سرمایه اقتصادی دانش‌آموزان

جهت سنجش سرمایه اقتصادی از سه مؤلفه درآمد ماهیانه خانواده دانش‌آموزان، قیمت تقریبی نوع مسکن خانواده و قیمت تقریبی نوع ماشین خانواده که هر یک از این سه مورد در شش گزینه از کمترین مقدار تا بیشترین مقدار که هر یک به صورت ترتیبی طراحی شده بود سنجیده شد و از مجموع نمرات حاصل از سنجش این گویه‌ها نمره متغیر سرمایه اقتصادی بدست آمده. دامنه تغییرات متغیر سرمایه اقتصادی بین مقدار 3 تا 18 می‌باشد. نمره 3 نشان دهنده حداقل سرمایه اقتصادی دانش‌آموزان و نمره 18 بیانگر حداکثر سرمایه اقتصادی آنان می‌باشد.

سنجش متغیر سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان

سرمایه فرهنگی در این پژوهش در دو بعد عینی و ذهنی و سنجیده شده است که در بعد ذهنی به میزان علاقه‌مندی دانش‌آموزان به فعالیت‌ها و در بعد عینی آن نیز به میزان پرداختن به فعالیت‌ها توجه گردیده است. این فعالیت‌ها شامل: شرکت در جلسات علمی، خریدن کتاب‌های درسی و غیردرسی، خریدن تابلوهای نقاشی و هنری میزان اهمیت به نظم و توانایی برقراری ارتباط و می‌باشد که در

30 - variable
31- Constructs

پژوهش حاضر متغیر سرمایه فرهنگی بوسیله آنها مورد اندازه‌گیری قرار گیرد. از 22 گویه مورد استفاده جهت اندازه‌گیری متغیر سرمایه فرهنگی 12 گویه بعد عینی و 10 گویه بعد ذهنی را در یک مقیاس 6 درجه‌ای طیف لیکرت اندازه‌گیری می‌کنند. دامنه تغییرات متغیر سرمایه فرهنگی بین 22 و 132 می‌باشد که 22 بیانگر حداقل سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان و 132 نشان دهنده بیشترین سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان می‌باشد.

سنجش متغیر سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان

متغیر سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان با مولفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و ارتباط اجتماعی با استفاده از 25 گویه که هر کدام در مقیاس 6 درجه‌ای طیف لیکرت طراحی شده بودند، مورد سنجش قرار گرفت. در نهایت نمره سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان در دامنه 25 تا 150 مشخص شد. نمره 25 بیانگر کمترین میزان سرمایه اجتماعی و 150 نشان دهنده بیشترین سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان می‌باشد.

جهت سنجش متغیرها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. اعتبار یابی مقیاس به روش اعتبار محتوایی و پایایی نیز از طریق محاسبه ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) محاسبه شده است. که در همه سازه‌ها بالای 0/6 می‌باشد و نشان دهنده پایایی مناسب و قابل قبول می‌باشد.

جدول شماره (1): مربوط به پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی

سازه	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا
اوقات فراغت بیرون محور	15	0/84
اوقات فراغت خانه محور	10	0/73
نحوه اوقات فراغت	25	0/89
بعد ذهنی سرمایه فرهنگی	10	0/8
بعد عینی سرمایه فرهنگی	12	0/87

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت

0/85	22	سرمایه فرهنگی
0/72	6	ارتباط اجتماعی
0/84	10	مشارکت اجتماعی
0/75	9	اعتماد اجتماعی
0/85	25	سرمایه اجتماعی

نتایج توصیفی و استنباطی تحقیق

نتایج توصیفی تحقیق

از بین 376 نفر دانش‌آموز مورد مطالعه 151 نفر (40/2٪) از دانش‌آموزان دختر و در مقابل 225 نفر (59/8٪) از دانش‌آموزان پسر هستند و میانگین سن دانش‌آموزان مورد مطالعه 16/2 سال می‌باشد. همچنین میانگین تعداد اعضای خانواده دانش‌آموزان مورد مطالعه 5/08 می‌باشد. اکثر خانواده‌های دانش‌آموزان مورد مطالعه بین 3 تا 7 نفر جمعیت دارند. از کل 376 نفر نمونه آماری، 107 نفر (29/2٪) تحصیلات پدر خود را سوم راهنمایی و 114 نفر (31/8٪) تحصیلات مادر خود را سوم راهنمایی عنوان کردند. از کل پاسخگویان، 183 نفر (49/6٪) اظهار داشته‌اند که پدرشان دارای شغل آزاد می‌باشد، 335 نفر (91/5٪) نیز شغل مادر خود را خانه‌دار معرفی کرده‌اند. از کل پاسخگویان، 85 نفر (23/5٪) در آمد ماهیانه خانواده‌ی خود را بین 200 تا 400 هزار تومان، اعلام کردند. 286 نفر (78/6٪) از خانواده‌ها اظهار داشته‌اند که در شهر سکونت دارند و 78 نفر (21/4٪) از خانواده‌ها نیز در روستا ساکن هستند. 320 نفر (87/7٪) از خانواده‌ها دارای منزل شخصی و ملکی، 27 نفر (7/4٪) استیجاری و رهنی، و 12 نفر (3/3٪) دولتی و سازمانی می‌باشند. همچنین 6 نفر (1/6٪) گزینه سایر را انتخاب کرده بودند. 149 نفر (39/8٪) از خانواده‌های دانش‌آموزان دارای زمین، 71 نفر (19٪) باغ، 160 نفر (42/8٪) سپرده بانکی، 185 نفر (49/5٪) رایانه، 306 نفر (82٪) خانه و 230 نفر (61/7٪) دارای خودرو می‌باشند. از کل پاسخگویان، 82 نفر (22/7٪) قیمت تقریبی مسکن

خانواده خود را بین 20 تا 40 میلیون تومان و 172 نفر (47٪) نیز قیمت تقریبی ماشین خانواده خود را تا 10 میلیون تومان اعلام کردند.

نتایج استنباطی تحقیق (آزمون فرضیه‌ها)

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها، از آزمون‌های پارامتری t پیرسون، رگرسیون خطی، چندگانه به روش گام به گام و T-test و F-test استفاده شده است که حاصل آن نتایج زیر می‌باشد.

جدول شماره (2): بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و زمینه‌ای و نحوه گذران اوقات فراغت

متغیر	سطح سنجش فاصله‌ای	نوع آزمون	سطح معنی‌داری	R ²	نتیجه آزمون
مستقل	سرمایه اقتصادی	پیرسون r	0/000	0/06	تأیید
مستقل	سرمایه فرهنگی	پیرسون r	0/000	0/33	تأیید
مستقل	سرمایه اجتماعی	پیرسون r	000/0	0/10	تأیید
زمینه‌ای	سن	پیرسون r	09/0	0/08-	رد
زمینه‌ای	تعداد اعضای خانواده	پیرسون r	02/0	0/01	تأیید
	سطح سنجش اسمی دو حالت و چند حالت	نوع آزمون	سطح معنی‌داری	t	نتیجه آزمون
زمینه‌ای	جنسیت	آزمون T	000/0	3/86	تأیید
زمینه‌ای	منطقه محل سکونت	آزمون T	000/0	3/72	تأیید
زمینه‌ای	سطح تحصیلات مادرانشان	آزمون f	0 / 46	-	رد
زمینه‌ای	شغل مادرانشان	آزمون f	0/82	-	رد
زمینه‌ای	سطح تحصیلات پدرانشان	آزمون f	0/37	-	رد
زمینه‌ای	شغل پدرانشان	آزمون f	0/70	-	رد

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت

فرضیه اول: طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام گرفته، سطح معنی‌داری آزمون $\text{sig} = 0/000$ و کمتر از $0/05$ می‌باشد و از آنجا که مقدار $r = 0/24$ می‌باشد، بنابراین بین دو متغیر رابطه مستقیم و ضعیف معنی‌داری وجود دارد و طبق نمودار خطی رگرسیون انجام گرفته ضریب تعیین $R^2 = 0/06$ می‌باشد، یعنی از روی سرمایه اقتصادی دانش‌آموزان به میزان 6 درصد می‌توان نحوه گذران اوقات فراغت آنان را پیش‌بینی نمود. نتایج این فرضیه همسو با نظریه‌های بوردیو، دومازدیه، پارکر، هانیس گونتروستر و همچنین همسو با نتایج تحقیقات سفیری و دیگری (1386)، تحقیق دادریس، تحقیق فورلانک کمبل و ریبرت (1990)، مطالعه استودولسکا (2006)، فردرو (1378)، عابدینی (1379)، صالحی (1378)، رجبی و آقا (1369)، و خواجه‌نوری و مقدس (1378) و تندنویس (1385) می‌باشد.

فرضیه دوم: نتایج بدست آمده نشان می‌دهد، رابطه بدست آمده بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه معناداری معنادار بوده به لحاظ شدت مثبت و از لحاظ جهت رابطه مثبت می‌باشد. طبق نمودار خطی رگرسیون انجام گرفته ضریب تعیین $R^2 = 0/33$ می‌باشد، یعنی از روی سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان به میزان 33 درصد می‌توان نحوه گذران اوقات فراغت آنان را پیش‌بینی نمود. نتایج این فرضیه همسو با نظریه‌های بوردیو، دیوید تراسی (1382)، ترنر (1998)، کالینز، اسمیت (1387)، هانیس گونتروستر و همچنین همسو با نتایج تحقیقات استودولسکا (2006)، فردرو، ربانی و همکاران (1386)، دیکا و سینگ (2002)، خواجه‌نوری و مقدس (1387) و هلد (2003)، هاملینگ (1997) می‌باشد.

فرضیه سوم: طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام گرفته، سطح معنی‌داری آزمون $\text{sig} = 0/000$ و کمتر از $0/05$ می‌باشد. مقدار $r = 0/31$ ، بین دو متغیر رابطه مستقیم و ضعیفی را نشان می‌دهد که معنادار است. طبق نمودار خطی رگرسیون انجام گرفته ضریب تعیین $R^2 = 0/10$ می‌باشد، یعنی از روی سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان به میزان 10 درصد می‌توان نحوه گذران اوقات فراغت آنان را پیش‌بینی نمود. نتایج این فرضیه همسو با نظریه‌های پاتنام (1999)، لین (1999)، هال

(1999)، پارسونز، چلبی(1382)، پروساک و داوینورت، زتومکا (1999)، آنتونی گیدنز، شاو و دیگران (1991)، جرج پاتلر، جلالی (1389)، گامبتا (2001)، پارکر (1380)، کلمن (1990)، و همچنین همسو با تحقیقات و مطالعات کالدون و دارلینگ (1999)، استانتون سالازار و دورن بوش (1995)، آگرا (2002)، سعادت (1385)، فیروزآبادی و ایمانی (1384)، و خواجهنوری و مقدس (1378) می‌باشد.

فرضیه چهارم: بین متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته نحوه گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش از میان متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی در این تحقیق فقط بین متغیر جنسیت و منطقه مورد سکونت با نحوه گذران اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد. یعنی جنسیت دانش‌آموزان و همچنین منطقه مورد سکونت آنان در نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان موثر است. نتایج تحقیق همسو با تحقیقات و مطالعات کالدون و دارلینگ (1999)، استانتون سالازار و دورن بوش (1995)، آگرا (2002)، سعادت (1385)، فیروزآبادی و ایمانی (1384)، و خواجهنوری و مقدس (1378) و رجبی و فردرو، ربانی و شیرینی صالحی و عابدینی می‌باشد.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج به دست آمده، از بین 376 نفر دانش‌آموز مورد مطالعه، 151 نفر (40/2٪) از دانش‌آموزان دختر و 225 نفر (59/8٪) از دانش‌آموزان پسر هستند. همچنین میانگین سن دانش‌آموزان مورد مطالعه 16/2 سال می‌باشد. میانگین بعد خانواده دانش‌آموزان مورد مطالعه، 5/08 و فراوانی خانواده‌هایی که بین 3 تا 7 می‌باشند بیشتر از بقیه است. از کل 376 نفر نمونه آماری مورد مطالعه، 107 نفر (29/2٪) تحصیلات پدر خود را سوم راهنمایی، 114 نفر (31/8٪) تحصیلات مادر خود را سوم راهنمایی، 183 نفر (49/6٪) شغل پدر خود را آزاد، 335 نفر (91/5٪) شغل مادر خود را خانه‌دار، 85 نفر (23/5٪) درآمد ماهیانه خانواده‌ی خود را بین 200 تا 400 هزار تومان، عنوان کرده‌اند. 286 نفر (78/6٪) از خانواده‌ها در شهر و 78 نفر (21/4٪) از خانواده‌ها در روستا ساکن هستند. 320 نفر (87/7٪) از خانواده‌ها دارای منزل شخصی و ملکی، 27 نفر (7/4٪) استیجاری و رهنی، و

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت

12 نفر (3/3٪) دارای منزل دولتی و سازمانی می‌باشند. 149 نفر (39/8٪) از خانواده‌های دانش‌آموزان دارای زمین، 71 نفر (19٪) باغ، 160 نفر (42/8٪) سپرده بانکی، 185 نفر (49/5٪) رایانه، 306 نفر (82٪) خانه و 230 نفر (61/7٪) دارای خودرو می‌باشند. از کل پاسخگویان، 82 نفر (22/7٪) قیمت تقریبی مسکن خانواده خود را بین 20 تا 40 میلیون تومان و 172 نفر نیز (47٪) قیمت تقریبی ماشین خانواده خود را تا 10 میلیون تومان اعلام کردند.

در تحقیق حاضر آزمون فرضیه‌ها با استفاده از آماره‌های، آزمون پارامتری پیرسون، رگرسیون خطی و چند متغیره، T-test و F-test استفاده شده است که حاصل آن نتایج زیر می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است: همبستگی معنادار، ضعیف و مستقیمی بین سرمایه‌ی اقتصادی و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان وجود دارد. یعنی هر چقدر سرمایه اقتصادی دانش‌آموزان افزایش یابد، نحوه گذران اوقات فراغت آنان نیز بهبود می‌یابد و بر عکس کاهش سرمایه اقتصادی باعث می‌شود که دانش‌آموزان اوقات فراغت خود را به نحو مطلوبی صرف نکنند. نتایج این فرضیه همسو با نظریه‌های بوردیو(نقل از هیلر و روکزی، 2002)، دومازدیه(نقل از اردلان، 1354)، پارکر، هانیس گونترستر(نقل از جلالی 1389)، فاضلی(1382)، و خواجه‌نوری و مقدس(1378) و همچنین همسو با نتایج تحقیقات سفیری و آراسته(1386)، تحقیق دادریس، تحقیق فورلانک کمبل و ریبرت (1990)، مطالعه استودولسکا(2006)، فردرو (1378)، عابدینی (1379)، صالحی(1378)، رجبی و آقا(1369)، و تندنویس (1385) می‌باشد.

در بررسی رابطه بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و نحوه گذران اوقات فراغت نتایج بدست آمده نشان داد، همبستگی معنادار، متوسط و مستقیمی بین سرمایه فرهنگی و نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان وجود دارد. یعنی بر اساس نتایج حاصله می‌توان ادعا کرد که افزایش یا کاهش سرمایه فرهنگی تأثیر مستقیمی در نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دارد. نتایج این فرضیه همسو با نظریه‌های بوردیو(1960)، بوردیو(1384)، دیوید تراسبی (1382)، بوردیو(نقل از ریتزر، 1380)، ترنر (1998)، کالینز(نقل از ریتزر، 1380)، اسمیت(1387)، هانیس گونترستر(نقل از جلالی 1389)، جرالدمابی (فرج الهی، 1373) و همچنین همسو با نتایج تحقیقات استودولسکا(2006)، بسل (2003)،

فردرو (1378)، عابدینی (1379)، صالحی (1378)، ربانی و همکاران (1386)، دیکا و سینگ (2002)، رجبی و آقا(1369)، گودرزی و اسدی (1379) خواجه‌نوری و مقدس (1378)، و هلد، (2003)؛ هاملینک (1997) می‌باشد.

همچنین نتایج به دست آمده برای بررسی رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد، ارتباط مستقیمی بین میزان سرمایه اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان وجود دارد. یعنی هر چقدر دانش‌آموزان سرمایه اجتماعی بالایی داشته باشند بهتر می‌توانند اوقات فراغت خود را مدیریت کنند و از فرصت به دست آمده استفاده بهینه را ببرند. در حالی که اگر سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان پایین باشد بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، ممکن است دانش‌آموزان در نحوه گذران اوقات فراغت خود دچار مشکل شوند. بر اساس نتایج به دست آمده هرچند میزان همبستگی بین سرمایه اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت پایین است، اما همین مقدار همبستگی به دست آمده با 0/99 اطمینان معنادار است و می‌توان به نتایج حاصل با دقت بیشتری نگریست. نتایج این فرضیه همسو با نظریه‌های پاتنام (1999)، لین (1999)، هال (1999)، پارسونز، چلبی (1382)، پروساک و داوینورت، زتومکا (1999)، آنتونی گیدنز (نقل از شارع پور 1380)، شاو و دیگران (1991)، جرج پاتلر (نقل از جلالی 1389)، گامبتا (2001)، پارکر (1380)، کلمن (1990)، آفه (1998) نقل از تاجبخش، (1384)، و خواجه‌نوری و مقدس (1378) و همچنین همسو با تحقیقات و مطالعات کالدون و دارلینگ (1999)، استانتون سالازار و دورن بوش (1995)، آگرا (2002)، سعادت (1385)، فیروز آبادی و ایمانی (1384)، و علی‌زاده (1388) می‌باشد.

همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان پسر بیشتر از میانگین نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر می‌باشد. نتایج این فرضیه همسو با نظریه جلالی (1389) و همچنین همسو با تحقیقات واگنر و دیگران، (2006)؛ شینو و دیگران (2004)، رایمر و دیگران (1994)، وایت، منادی (1388)، ربانی و شیرینی (1388)، و رجبی و آقا(1369) می‌باشد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، سن دانش‌آموزان تأثیری در نحوه گذران اوقات فراغت آنان ندارد و در نتیجه بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد. در بررسی متغیر بعد خانواده، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، بین این دو متغیر همبستگی ضعیف و غیرمستقیمی وجود دارد. یعنی هر چقدر بعد خانواده بیشتر باشد (تعداد اعضای خانواده بیشتر باشد)، دانش‌آموزان در نحوه گذران اوقات فراغت خود بیشتر دچار اختلال می‌شوند. و به هر اندازه تعداد اعضای خانواده کمتر باشد، دانش‌آموزان بهتر می‌توانند اوقات فراغت خود را مدیریت کنند.

نتایج حاصل حاکی از آن است، که میانگین نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مناطق شهری بیشتر از میانگین نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان روستایی می‌باشد. یعنی دانش‌آموزان شهری بیشتر از دانش‌آموزان روستایی اوقات فراغت خود را مدیریت می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد که برای سایر متغیرها (شغل و تحصیلات پدر و مادر) رابطه معناداری به دست نیامد.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد:

سرمایه اقتصادی دانش‌آموزان کمتر از حد متوسط، سرمایه فرهنگی اندکی بالاتر از حد متوسط و سرمایه اجتماعی بالاتر از حد متوسط می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده ملاحظه می‌شود که، بیشترین سرمایه دانش‌آموزان سرمایه اجتماعی و کمترین سرمایه دانش‌آموزان، سرمایه اقتصادی می‌باشد. همچنین نتایج حاصل نشان می‌دهد میانگین نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان (58٪)، از مقدار میانگین طیفی خود اندکی پایین تر می‌باشد.

دو متغیر اصلی مستقل سرمایه فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده در تحقیق حاضر 34 درصد تغییرات متغیر وابسته نحوه گذران اوقات فراغت را تبیین کرده‌اند. بقیه تغییرات مربوط به سایر متغیرها بوده است که در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است. در بین متغیرهای مستقل، تأثیر سرمایه فرهنگی بر نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان بیشتر از سایر متغیرهاست. بنابراین نتیجه نهایی حاصل از انجام مطالعه این است که بین سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) با نحوه گذران اوقات فراغت در میان دانش‌آموزان شهر نقده رابطه معناداری وجود دارد و اگر نهادهای مسؤوّل بتوانند زمینه‌های تقویت هر یک از سرمایه‌های فوق را فراهم کنند، دانش‌آموزان بهتر می‌توانند اوقات فراغت

خود را مدیریت کنند. همچنین نتایج این تحقیق ما را متوجه این نکته می‌سازد که، مسؤولین و نهادهای برنامه‌ریز باید توجه داشته باشند که در موقع برنامه‌ریزی برای پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان به بسترها و عواملی که بر کم و کیف آن تأثیر می‌گذارند نیز توجه داشته باشند.

منابع

اردلان، ف. (1354). **جزوه جامعه‌شناسی اوقات فراغت**. دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

اسمیت، ف. (1387). **درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر**. ترجمه: حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.

اکبری، الف. (1383). **نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی تهران.

برازنده، ع. (1377). **بررسی عوامل مؤثر در گذران اوقات فراغت کارمندان بانک مرکزی در مقطع زمانی 75-76**، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

بودریار، ژ. (1381). **در سایه اکثریت‌های خاموش**، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.

بورديو، پ. (1384). **شکل‌های سرمایه در کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی**، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.

پاک‌سرشت، س. (1385). **مصرف اینترنت در سبک‌های فراغتی جوانان تهرانی. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال دوم، شماره 5.

تراسبی، د. (1382). **اقتصاد و فرهنگ**، ترجمه: کاظم فرهادی، نشر نی، تهران.

تندویس، ف. (1375). **نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان کشور**، پایان‌نامه دکتری، تهران.

جلالی فراهانی، م. (1389). **مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی**، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات

چلبی، مسعود. (1382)، **جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**، تهران، نی چاپ دوم.

خادمیان، ط. (1387). **سبک زندگی و مصرف فرهنگی: مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان**، تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، چاپ اول.

خسروشاهی، ف. (1355). **اوقات فراغت و تفریح**، دانشگاه هنر، رساله دکتری.

خواجهنوری، ب و ع مقدس. (1387). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد، **پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**، ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی، نیمه دوم سال 1387.

دادگران، م. (1389). مبانی ارتباطات جمعی، تهران: فیروزه، چاپ چهاردهم.

دامرودی، ح. (1389). چند نکته برای برنامه‌ریزی اوقات فراغت، **فصلنامه آموزشی - تربیتی پیوند**، تهران: انتشارات رجا، شماره 369-371.

ربانی، ر و ح، شیرینی. (1388). اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران: **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، دوره دوم، شماره 8.

ربانی، ر. ربانی، ع. عابدی، م. ر. م. گنجی. (1386). فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، **فصلنامه انجمن ایران، مطالعات فرهنگی و ارتباطات**.

رجبی، م. و ه آقا. (1369). گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان شهر شیراز. **مجموعه مقالات اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه‌ی استان فارس**، شماره‌ی 4.

رضائیان، ع. (1384). عصر سرمایه انسانی و اجتماعی، **فصلنامه پیام مدیریت**، شماره 11، 12.

روحانی، ح. (1388). درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، **فصلنامه راهبرد**، سال هجدهم، شماره 53، زمستان

ریتزر، ج. (1380). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ پنجم.

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت

زتومکا، پ. (1386). **اعتماد نظریه جامعه‌شناختی**، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: انتشارات تیراژه، چاپ اول.

سعادت، ر. (1385). تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌های کشور، **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره 23.

سفیری، خ. آراسته، ر. (1386). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده، **مجله علمی و پژوهش تحقیقات زنان**، سال دوم، شماره اول.

شعاعی، ف. (1377). بررسی ارتباط چگونگی گذران اوقات فراغت تابستانی و میزان علاقه‌مندی نوجوانان دختر با مشخصات فردی آنها در دبیرستان‌های دخترانه منطقه 11 شهر تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

شیخ، س. (1374). چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان و جوانان، طرح تحقیقاتی دبیرخانه شورای عالی جوانان، تهران.

صادق موسوی، س. خ. (1386). شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای محیط خانواده برای نظام آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست ساله، تهران: طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش کمیته مطالعات محیطی.

صالحی، ن. ع. (1378). بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان اداره‌ی کل شیلات استان گیلان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

عابدینی، ص. (1379). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت و میزان مصرف کالاهای فرهنگی؛ مطالعه‌ی موردی: شهر مرودشت، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.

فاضلی، م. 1382. مصرف و سبک زندگی، قم: نشر صبح صادق.

فرج اللهی، ن. (1373). بررسی جایگاه تربیت بدنی در گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.

فردرو، م. (1378). پایگاه اقتصادی و اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی: مورد نمونه منطقه‌ی 3 و 19 تهران، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: تهران دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

فکوهی، ن. (1379). از فرهنگ تا توسعه «توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران»، تهران: انتشارات فردوس.

فوکویاما، ف. (1385). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلام عباس توسلی، تهران: انتشارات حکایت قلم نوین، چاپ دوم.

فیروزآبادی، س. الف. (1384). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، پایان نامه دکترا، دانشکده علوم اجتماعی تهران.

گزارش ملی جوانان، (1381). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، تهران: اهل قلم.

گیدنز، آ. (1377). پیامدهای مدرنیت، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.

محمودی، ع. (1372). نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان متوسطه استان کردستان، شهرستان سنندج، شورای تحقیقات آموزش و پرورش کردستان.

معدن کن، ا. (1369). نقش ورزش در جلوگیری از انحرافات اخلاقی جوانان، سازمان برنامه و بودجه.

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت

منادی، م. (1388). اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن مقایسه‌ی دو نسل، **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی ارتباطات**.

الوانی، س. م. (1386). **سرمایه اقتصادی، مفاهیم و نظریه‌ها**. تهران: نشر شیرازه.

وبلن، ت. (1383). **نظریه‌ی طبقه مرفه**، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

-Dika.L. And singh, k. 2002. **Applications of social capital in Educational literature: a critical synthesis**. Review of Educational Research, 72, 1, 81-60.

-Fukuyama, Francis. 1995. **Social Capital and Civil Society**, The Institute of public policy, George Mason University.

-Lin, Nan, 1999. **Building a Network Theory of Social capital**. In, Nam Lin, Katern Cook and Ronald S. Burt, **Social Capital: Theory and Research**, New York: Aldine de Gruyter.

-Lin, Nan, 2001. **Social Capital: A Theory of Social Structure and Action**, Cambridge University Press. London: R. K. P.

-Putnam, Robert, D. 1995. **Tuning in, Tuning out: The Strange Disappearance of Social Capital in America**, Political Science and politics, 27 (4): pp. 664-683.

-Stanton- Salazar, R. and Dornbusch, s.1995. **Social capital and the Reproduction of Inequality: information networks among mexicanorigin high school students**, **sociology of Education**, 68, 2, and 116-35.

-Woolcock, M. 2001. **The place of social capital in understanding social and Economic outcomes**, Isuma: Canadian Journal of policy Reseach, 2, 1, 1-17.

-Zhao, Yandng. 2002. **Measuring the social capital of laid- of Chinese workers**. Current sociologe, vlo. 50, No. 4 July: 551-557.